

## آیا حقوق زنان حقوق بین المللیست؟

مشکلهای زنان در کشورهای عقبمانده، از جمله افغانستان، ایران، پاکستان، الجزایر، عربستان سعودی و غیره امری شناخته شده بیست. زنان در اکثر این جوامع در قرن بیست و یکم، رسماً و علناً نیمه انسانی، جنس درجه دوم و سزاوار زندانی شدن در چهاردیواری خانه محکوم به زنده گی مانند برده گان هستند، بی حقوقی مطلق سیاسی و اجتماعی، توهین و تحقیر روزمره و سرکوب هر صدای اعتراض زنان خصلت تمامی جوامع این چنینیست. تصویر ارائه شده توسط مطبوعات و رسانه های جمعی در اروپا و امریکا، از زنان در این کشورها تصویر مظلومان و قربانیان و یا در بهترین حالت مخالفانیست که خود، همزمان محافظه کار و عقبگرا اند و فقط خواستار تغییراتی اندک و حقوق ناچیز برای زنان در چهارچوب احکام اسلام اند، اسلام یا فاندیمنتالیزم کدام یک مشکل اصلیست؟ چندسالیست که بسیاری از مدافعان حقوق زنان به بررسی مشکلهای و پرابلمهای زنان پرداخته اند و جواب این سوال را به وجه درست داده اند. فورمولبندی فاندیمنتالیزم از سوی گرایشی طرح و نماینده گی میشود که با احکام دست و پاگیر و ضد حقوق بشری زن که در مذهب اسلام وجود دارند، مخالفتی ندارد، گرایشی که خود محافظه کار، مذهبی و اسلامیست و گاهگاهی زیر فشار وسیعی از مخالفت با احکام مذهبی در بین زنان به تکاپو افتاده، این جا و آن جا تکرار میکنند: که تقصیر سنگسار، لت و کوب و حجاب و بی حقوقی زنان به گردن اسلام نیست، مشکل از بنیادگرایست. این فورمولبندی با تمسخر زنان تحت ستم و متعرض مواجه شده و میشود، واقعیت مسأله این است که امروز در کشورهای

عقبمانده با دیدن ظرفیت به غایت ارتجاعی در سلب تمامی حقوق زنان و تبدیل آنان به برده گان بی ارزش یک موج جنبش وسیع اعتراض وجود دارد، موجی که میخواهد برعلیه وخامت مذهب و زنده گی زنان نقش مثبتی ایفا بکند که گرایش مخالف آن خواهان کنترل و مهار آن تنها به دلیل حفظ اسلام است. این که زنان، از جمله زنان کشور ما در کنار کدام گرایش می ایستند، به تقویت کدام علاقه مند اند؟ حتماً با گرایش واپسگرایانه و تحریف حقوق زنان در چهارچوب اسلام مخالفت میورزند. این معیار دوگانه و این دوگانه گی در تعریف حقوق زنان از کجا ناشی میشوند؟ آیا حقوق زنان حقوق بین المللیست؟ سالهاست که بخش رادیکال و پیشرو زنان از جهانشمول بودن حقوق زنان و مشروط نبودن این حقوق به محل تولد انسانها، به نژاد و رنگ و پوست شان، اعتقادات و عدم اعتقاد مذهبی آن ها و غیره دفاع میکنند، یعنی این که همواره اذعان داشته اند که خشونت فزینی و یا روحی برعلیه زنان در تمام جهان، آن ها را رنج میدهد و باید به حیث اعمال ضد انسانی ممنوع گردد، این که دختران «۹» ساله را طبق قوانین و احکام شرعی به جبر وادار به ازدواج میکنند سؤاستفادهء جنسی از کودکان است. کودک آزاری آشکار است و هیچ کودکی به دلیل محل تولدش نباید مورد چنین تجاوز و وحشتناکی قرار گیرد.

این که میلیونها زن را در خریطه ها به نام حجاب میپیچند و از این راه دائماً به زنان گوشزد نمایند که آن ها باید جسم شان را پنهان نموده، احساسات شان را منکوب کنند و نابرابر بودن خود با مردان را جار بزنند، مورد انزجار زنان بوده و هست؛ به خصوص، وقتی که کودکان را وادار میکنند که خود را در چادر و چادری بیپیچند، در این گونه شرایط هیچ گاه نباید از فرهنگ و مذهب خودشان حرف زد و این جنایتهای آشکار با هیچ توجیه تیوریکی قابل پرده پوشی نیست.

مطالبات اصلی و گرایش زنان آگاه و نیروهای مترقی و دموکرات که در همه این کشورها با درجه های متفاوت، با شدت و ضعف، آن را میتوان دید عبارت اند از:

خواست کوتاه شدن دست مذهب از زنده گی زنان، جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش- ممنوعیت حجاب اجباری، لغو آپارتاید جنسی و ممنوعیت حجاب برای کودکان زیر شانزده سال، مبارزه با تیوری ارتجاعی نسبیت فرهنگی (Cultural Relativism)، دفاع از جامعه سیکولار، دفاع از رابطه مدرن و انسانی بین زن و مرد و در نهایت خواست برابری کامل بین زن و مرد در تمام شئون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به اضافه مبارزه و نقد سنتها و افکار ضد زن و ارتجاعی که با مذهب و ناسیونالیسم عجین شده است. برای طرح وسیعتر نظرها در مورد مسایل زنان در کشورما و در جاهای دیگر و معرفی گرایشهای مختلف در آن ها باید فراوان کوشید، هرگاه در انجام این مهم هموطنان صاحب نظر و همه علاقه مندان با همکاری وسیع بکوشند به حل پرابلمها در این راستا کمک فراوان خواهد بود.

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)

۲۳ اکتوبر ۲۰۰۷